



آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی
سازمان دانشجویان دموکرات ایران



مصطفی بزرگانیا

۶۱ آر



ناصر قدسی



شرینت رضوی

جنبش دانشجویی ایران، همانند بخشی از نهضت ضد امپریالیستی و دسکراتیک کشور ما، برخوردار از رستن درخشان مبارزه است. دانشجویان ایران همواره در و ش بد و ش خلق خود در راه استقلال ملی، دسکراسی و پیشرفت اجتماعی رزمید مانند در کامیابی ها و ناکامی های و نیز شریک بود مانند برای درک عمیق ریشه های تاریخی تحول، چشم انداز جنبش دانشجویی بررسی کوتاه ویژه گی های و وضع کنونی ایران ضروری می نماید:

ویژه گی های وضع کنونی ایران

۱- جامعه امروزی ایران جامعه ایست پرتضاد. مهم ترین این تضاد ها عبارتند از: تضاد میان مصالح مصلی و فرمانروایی امپریالیست های چپا و لگر، تضاد میان منافع خلق و یاز مانده های نظام فئودالیسم، تضاد میان خواست های آزادی خواهانه مردم پوریزم خود گامه محمد رضا شاه پهلوی.

رژیم ایران از یکسو، از طریق تبلیغات جنجالی و سرسام آور خود، وجود این تضاد ها را انکار میکند و از سوی دیگر با دست یازی به برخی رفوهم های غالباً نیم بند و عقب نشینی های گاه گاهی میکوشد تا از جدت آنها بکاهد. آزمون سالهای گذشته نشان میدهد که نوشد، آرومی تجویزی رژیم، یعنی اتسیریح تکامل سرمایه داری در ایران، نه تنها در مردم براد و انخواهد کرد، بلکه بسیاری از تضاد های نامیرد مراشدت خواهد بخشید.

۲- در هم آمیزی و هم پیوندی اقتصاد کشور ما با سرمایه های انحصاری امپریالیستی، سیاستی که با لجاجتی پیگیرانه دنبال میشود و از طریق اقدامات نادرست و زیان بخش اقتصادی دولت تحقق می پذیرد، بهمانه نجانر بسیارها و نا هما هنگی های مزمن انجام میدهد. با وجود افزایش چشمیارد درآمد نفت، تورم شتابان، بیکاری مصیبت زا، و خامت شرایط زندگی و دیگر بلا یای اقتصادی گریبانگیر اکثریت عظیم مردم میباشد.

۳- رژیم شاه از یکسویه نظامیگری و گسترش همان گسسته تسلیحات برداخته است و از سوی دیگر سیاستی تعرض آمیز، سیادت جوانه و د اخله گرانه نسبت به کشورهای همسایه ایران، ویژه طبع جنبش های رهایی بخش ملی و پیشرفت جوی خاور میانه، اتخاذ کرده است. گرایش تشنج زدایی در رهنه بین المللی بعد از رژیم کنونی ایران نهی سازد. شاه ایران در کنار مرتجع ترین عناصر جنگ طلب امپریالیستی، در نقش ژاندارم منطقه امنیت و صلح کشورهای مجاور ایران و قیاموس هند را مورد تهدید قرار میدهد.

۴- رژیم شاه که خود زاد نکود تالی امپریالیستی ۲۸ مرداد می باشد و سال هاست که تنها پیمایری سیا است - سرور ۱۹ اختناق و سرکوب هر آوا و جنبش مخالف خود به حیات شو مشرادا مه میدهد - اینک آشکارا در راه فاشیستی کردن تمام شئون اجتماعی گام برمیدارد - تحمیل اصل فاشیستی پیشوایی شاه - گسترش دیکتاتوری فردی وی - تقدیر نظامی اصطلاح شاهنشاهی آریا مهری و اجبار مردم به عضویت حزب شهاب - رستاخیز - مظاهراصلی این توطئه ضد ملی و ضد دیمکراتیک است -

تاریخچه جنبش دانشجویی ایران



پس از این توصیف مختصر و ویژه گی های وضع کنونی ایران ، نگاهی کوتاه به تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران بیا فکنیم :

نخست باید یاد آور شویم که هدف ما در اینجا یک بررسی عمیق و دقیق تاریخی نیست - پژوهش تاریخ پر فرا زوئیشیب تحول نهضت دانشجویی ایران کاری است پس سود مند و در عین حال دشوار که به همت و کوشش گروهی نیاز مند است و باید بختانه ، بجز چند مورد استثنایی و گرانقدر ، همچنان خلاقی در فعالیت های نشریاتی این جنبش بشمار میرود - منظور از این یاد آوری ها - ی تاریخی شهادت یک بهتر برخی پدیده ها و مسایل است که در زیر ذکرا ن خواهد رفت -

جنبش دانشجویی ایران نزدیک به چهل سال پیش با تاسیس مدارس عالی و نخستین

دکتر تقی ادرانی



دانشگاه ایران ، یعنی - دانشگاه تهران ، آغاز میگردد - پیدایش این جنبش در شرایط تسلط امپریالیسم و دیکتاتوری رضا شاه مبتنا به واکنشی در برابر محرومیت ها ستگری ها و بی قانونی های جامعه آنروز بود - عوامل فوق ، همراهمارا هنمایی های روشنگران و تجویز آمیز نیروها و عناصر مترقی ، سبب گشت که دانشجویان خیلی زود بعنوان یک نیروی آگاه و مهوراد صحنه فعالیت اجتماعی شوند -

اتصال دانشجویان دانش سرای عالی در سال ۱۳۱۵ (نخستین جنبش اعتصابی دانشجویی در ایران) در سکوت گورستانی آن دوران مانند بعب صد آکرد - این اعتصاب و اعتصابات پیاپی دیگری در سال های ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ در نشکده فنی ، دانشکده پزشکی و دانشکده حقوق دانشگاه تهران دانشکده طوبی و ادبیات ، دانشکده انجام گرفت از آن جهت جالب است که در عین مبارزه برای خواست هنمای

دو بهر زحمتکشان ایران و مبارز شهید راه کومینم

صنعی، نشانها گاهی فزاینده اجتماعی و سیاسی دانشجویان ایران بود. روشن است که حکومت قلد ررضاشاه با توسل به روشهای گوناگون - تنظیم و تهدید، توقیف و غیره - از تشکّل سازمانی این جنبش جلوگیری میکرد. با واژگونی دیکتاتور رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ مردم ایران، از جمله دانشجویان، از برخی آزادیهای نسبی برخوردار شدند. فعالیت های دانشجویان و نیروهای هواخواهان آنها در راه تشکّل سازمانی آغاز گشت و در اوائل سال تحصیلی ۱۳۲۴-۱۳۲۳ به پایه گذاری اتحادیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندان سازی و آموزشگاه عالی مامانی انجامید. برغم تشبثات محافل ارتجاعی در داخل دانشگاه و خارج از آن، بهیچ وجه ایجاد سازمان های قلابی دانشجویی، در سال های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ دانشجویان دانشکده های فنی، علوم و کشاورزی نیز سازمان های خود را تشکیل دادند.

سرکوب نه خست مکرر تیک آذ ریایجان و کردستان ویی آمد های اختناق آمیز آن در سراسر کشور بر جنبش دانشجویی نیز بدون تاثیر نماند و فعالیت های آنرا موقتا متوقف ساخت. از اواسط سال ۱۳۲۶ که جنبش ملی و د مکر تیک و بیار مر و بیار و ج هیرفت، فعالیت های دانشجویی نیز احیا شد و اندک اندک گسترش یافت. در سال تحصیلی ۱۳۲۸-۱۳۲۷ ولیای دانشگاه کوشیدند تا با طرح تهدید نامه ای دانشجویان را از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی محروم سازند. مبارزه بر ضد این تهدید نامه به تشکّل "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" منجر گشت. پس از شبیه کودتای ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ده های از مبارزترین دانشجویان دانشگاه تهران را قریانی ترور و اختناق رژیم شدند. اعتراض دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران به شرایط زندگی خویش در آبان - آذر ۱۳۲۸، در تاریخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۸ به پایه گذاری "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" انجامید.

در جریان اعتصاب چهار ماهه دانشجویان دانشکده پزشکی در سال ۱۳۲۹ و دانشجویان بیش از پیش به غسروستایی ریزی سازمان واحد و تشکّل صنفی پی بردند. پس از تشکّل سازمان دانشجویی در دانشگاه های مختلف، در ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ نمایندگان منتخب سازمان ها برای تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران گرد آمدند و در ۱۲ اردیبهشت ماه، در میتینگ باشکوهی در محوطه دانشگاه تهران، تا سیس "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" (توسو) را اعلام کردند. در دوران ملی شدن صنعت نفت نه خست ضد امپریالیستی و د مکر تیک ایران، از جمله جنبش دانشجویی، به اوج خود رسید. دانشجویان ایران د و شرد و شر خلق خود، علیه استعمار و د راهد ف های آزادی خواهانه نه خست ملی گام برداشتند. اما آنها حتی در آن دوران نیز از توطئه های نیروهای ارتجاعی ایمن نبودند. این نیروها با راه به د سیسه علسیه جنبش دانشجویی و "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" دست زدند.

کودتای "سنا" - ساخته ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بهارتجاج، اخلی و خارجی امید آترا بخشید که آرزوی دیرینه مکتبوزانه خود را برای تلاش قطعی جنبش دانشجویی برآورد سازند. بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد دانشجویان دستگیر و بازداشت شدند. اما خراج شده ماند و از فعالیت قانونی وطنی "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" جلوگیری بعمل آمد. با اینهمه، دانشجویان از همان فردای کودتای ۲۸ مرداد توطئه ضد خلقی و ضد دانشجویی را محکم کردند و آمادگی خود را برای پیگردار جنبش ضد رژیم کودتای اعلام داشتند.

دانشجویان با تعطیل دانشگاه و شرکت در تظاهرات ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۲ مردم تهران علیه حکومت کودتای همبستگی خود را با هم پیمان خویش شویت رساندند. چنانکه مشهور است، "شعبان بی منج" معروف، که با تمام دیگر اوباشان درباری در کودتای ۲۸ مرداد شرکت فعال داشت، روز ۲۱ آبان به دانشگاه رفت و آشکارا در حضور دانشجویان و استادان فریاد زد: "در این طویلها ببندید".



یسورش سرسازان شاه علیه مبارزات مردم

با پاهای اقدامات خیانت آمیز کودتای فعالیت های مقاومت آمیز مردم دانشجویان ایران نیز ادامه یافت. در ۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران شرکت خود را در اعتراضات مردم تهران علیه توطئه ضد روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دولت چارلز نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، اعلام داشتند. حکومت کودتای برای جلوگیری از این اعتراضات و هدای از نظامیان را برای اشغال دانشگاه فرستاد. آنها برای دستگیری و دست زدن دانشجویان دانشگاه هفتی مستقیماً به کلاس در سر وقتند. اعتراضات در سرپوطه و دانشجویان با این عمل و قیاحانه با تهدید مسلحانه نظامیان رو برو شدند. استاد و دانشجویان به عنوان اعتراض کلاس درس را ترک گفتند. رئیس دانشگاه هفتی پس از این عمل سرانگیز نظامیان و بعنوان اعتراض به نقض اصل استقلال و حرمت دانشگاه، تعطیل دانشگاه را اعلام داشت. موجی از خشم خروشان دانشگاه هفتی را فرا گرفت. فریاد "دست نظامیان از دانشگاه بکنند" از هر گوشه هشتین می افکند. در این هنگام نظامیان رگبار مسلسل را بر روی

دانشجویان میهن پرست گشودند و سخن از آنها را: مصطفی بزرگ نیا (تودهای) ، مهدی شریعت رضوی (تودهای) ، احمد قسد جسی (جیبه ملی) بضرر گلوله های زیادی در آوردند . عد کثیری از دانشجویان زخمی و یاد ستگر شدند . بدنیال این جنایت رژیم ، بعد از ظهر ۱۶ آذر دانشگاه تعطیل گشتود دانشجویان فردای آنروزها عصاب همگانی برداختند . روزهای

۱۷ و ۱۸ آذر مردم تهران با شرکت وسیع دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها به راهپیمایی بلبریتا نیا ، یازدینیکسون و یویژه میور شد . درمشانه نظامیان به دانشگاه و قتل سه دانشجوی بیگناه اعتراض کردند . دامنه اعتراضات چنان وسیع بود که حکومت کودتا مجبور شد ظاهرا از عمل نظامیان " ابرازندامت " و از نیا ماندگان شهیدان " دلجویی " کند . ولی بگواهبخشناه محرمانه ای که نخستین بار در " سپردم " ارگان مرکزی حزب تودهای ایران چاپ شد ، این ابرازندامت " و " دلجویی " چیزی جز رساکاری و مردم فریبی نبود و وسیع ترین نظامیان مربوطه آنها دانشمندی " و " تشویق " بهرهمند شدند .

بدینسان ۱۶ آذر بعنوان مظهر بیکارم متحد دانشجویان میهن پرست علیه امپریالیسم ارتجاع خون آشام در تاریخ درخشان جنبش دانشجویی ایران ثبت شد . دانشجویان ایران ۱۶ آذر را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و هر سال با تجلیل از خاطر شهیدان دانشجویان را بهرهمند ساختند و راه برای شعار " اتحاد - مبارزه - پیروزی " بشیوت میزسانند .
جنبش دانشجویان ایران در خارج از کشور



درسالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ، با تشدید تروری و اختناق در ایران و وجود امکانات نسبتا مساعد تردد در خارج ، مرکز نقل بسیاری از مبارزات دانشجویی به خارج منتقل شد . تشکیل " کنگد راسیون محملین و دانشجویان ایرانی در اروپا " در سال ۱۳۳۹ (این سازمان در وینال بعد به " کنگد راسیون جهانی محملین و دانشجویان ایرانی " تغییر نام یافت) فرآورد شرایط نویی بود که بموجب آن بسیاری از مسئولیت های سنگین نهضت دانشجویی ایران به عهد دانشجویان ایرانی مقیم خارج گذاشته شد . " کنگد راسیون " در سال های نخست حیات خود توانست با فعالیت های دامنه دار خویش گروهی نسبتا وسیع از دانشجویان مقیم خارج را در چهارچوب فعالیت ملی برای دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی آنها متشکل سازد .

متاسفانه ، بهریر زمان ، زبیرتا غیر عوامل گوناگون داخلی (بهیژه وابستگی های

طبقاتی) و خارجی (بهیژه نفوذ ماژوتیسم) و همچنین رخنه ها مرصد کمونیست و مشکوک ، رفتهمرقتنیروهای چپ روچپ نما بهرهمبری " کنگد راسیون " تسلط یافتند و سرشت آنرا بعنوان یک سازمان زمان تودهای ، ضد امپریالیستی و دگرگون ساز ساختند . ملی انحرافی مسلط بر " کنگد راسیون " ، که بهیژه از طرف ماژوتیست هاد نپسالمیشود ،

موجب گشت که این سازمان بتدریج پایگاه خود را از دست بدهد، به تفرقه در میان دانشجویان دامن زند، وسیله‌ای برای شناساندن نیروهای مخالف به پلیس ایران و کشورهای خارجی شود و سرانجام به بحران، بن‌بست و انشعاب کنونی منجر گردد.

پایه‌گذاری "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران"

باتوجه به تحولات پیشگفته در آغاز سال ۱۳۵۴ "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" طی اطلاعیه‌ای کسبه نخستین بار در "آرمان" نشریه دبیرخانه خارجی این سازمان بدو رسیده، پایه‌گذاری خود را اعلام کرد. "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" پس از اشاره به تشدید تروریسمی رژیم دیکتاتوری شاه طبعیه میهن پرستان و آزادی خواهان ایران، و خیمه‌تر شدن زندگی مادی زحمتکشان کشورها، افزایش بیسابقه استعمار داخلی و گسترش سلطه امپریالیسم در ایران و تصریح بی‌وسنگی پدیده‌های نامبرده، اعلام داشته است که:

شرایط کنونی تشدید بازهم بیشتر مبارزه سازمان دادن به ترویسوح تر مبارزه، متحد ساختن همه نیروهای مبارز جوانان و دانشجویان را ایجاد میکند. از اینجاست که جوانان و دانشجویان آگاه و مترقی ایران بر آن شده‌اند که با تشکیل "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" با این خواست شرایط کنونی پاسخ گویند و در انجام وظایفی که در برابر آنها قرار دارد، کام نوبینی بردارند.

"سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" همراه با خلق‌های ایران و در پیوند ناگسستنی با طیف‌گراگر همه زحمتکشان ایران، از هر زمان و گروه سیاسی و صنفی، چه دانشجویی و چه غیردانشجویی، که صادقانه در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری شرکت کنند و برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بکوشد، پشتیبانی و با هر نیرو و طایفه‌ای کسبه پیکار ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلق‌های ایران را تضعیف کند و در اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری موجب خلال ویرا کند کی شود، قاطعانه و بی‌گیرانه مبارزه خواهد کرد.



تظاهرات "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" در ایتالیا بر طبع رژیم تروریست خائن شاه

" سازمان جوانان و دانشجویان د مكرات ايران " و ظانفكلى خوشرويا بشرح زیر بر می شمرد :

۱ - مبارزه با تسلط اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیسم ، بمرکزگی کسی امپریالیسم آمریکاد رایران ،

۲ - مبارزه با رژیم ضد ملی و ضد د مكراتيك شاه ،

۳ - مبارزه برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد د یکتانوری بطور عمومیتسروهای ضد امپریالیستی و ضد د یکتانوری د رین جوانان و دانشجویان بطور خاص ،

۴ - مبارزه برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان ،

۵ - پشتیبانی از جنبشهای ضد امپریالیستی و د مكراتيك در سراسر جهان ،

" سازمان جوانان و دانشجویان د مكرات ايران " متذکر شد هاست كه این سازمان د شرایط ترور و اختناق کتونی فعالیت پنهانی دارد ، ولی د رین حال خواهد كوشید از تمام امکانات صنفی برای پیشبرد هدفهای خود استفاده بکند .

با توجه به شرایط خاص و نسبتاً مساعد ترد رخارج از کشور ، " سازمان جوانان و دانشجویان د مكرات ايران " فعالیت های علمی خود را د رخارج و عهد میگذرید بیرونخانه خارجی قرار داده است . یگانهی به صفحات " آرمان " ، " بولتن اطلاعاتی " (بزبان های انگلیسی و آلمانی) و د یکنشریات " د بیرخانه " كه منعكس كنند فعالیت آنست ، نشان مید هد كه این سازمان با كوشش پیگیرانه برای پیشبرد هدف های نامبرده مبارزه میكند .

سیاست ضد دانشجویی رژیم شاه

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

رژیم کودتاد ر حیات ۲۱ ساله منحوس خود به عبث كوشید هاست به جای كوشش طسلسل ناراضایی دانشجویان و كوشش برای رفع آنها ، خواست های منطقی اینان را با اخراج ، اعتزام به سر بازخانه ها ، زندان اشكنجه ، تبعید و حتی اعدامها سر كویید . رژیم د ر بهترین حال سعی داشته است كه مقاصد شوم خود را ز بروز شرف سالم سازی (یعنی تبدیل دانشجویان به انسانی های بملبله كو و ثناخوان " انقلاب سفید ") ترتیب جلسات " گفت و شنود " و حتی تشکیل انجمن های دانشجویی قلابی به مرحله اجراء آورد . اما این جلسیات " گفت و گو " ظالمانه محافل بحث و انتقاد دانشجویان تبدیل میشد و هوچیات آبروریزی " موعظه گران " و مستولان " اقتاع " را فراهمی ساخت . انجمن های قلابی دانشجویی نیز ، كه حق انتخاب زاد را از دانشجویان سلب میكردند ، به صحنه مبارزه دانشجویان برای خواست های صنفی و اجتماعی آنها بدل و طیعا بزودی تعطیل شدند .

بنابراین شكست نیست كه شاهد ریكنانگفرانس های با اصطلاح " ارزیابی انقلاب آموزشی " ، خشمگین و اعتراض آمیز ، برای صد مین بار اعلام داشت : " ۰۰۰ ما همیشه گفته ایم كه محیط علمی باید خارج از سیاستی باشد . " ولی همین د دانشجویان ، همینكه در رخارج از محیط علمی هم تلا به گرائی تریخ بلیت اتوبوس اعتراض كنند ، هد سبده ستروا نه سر بازخانه ها و شكنجگاه های شاهنشاهی می شوند .

این واقعیتی است که دانشجویان ایرانی ناراضی اند. طلب ناراضی آنها را در عدم توجه دولت به منافع آنها، در نارسایی دستگاه آموزشی و در سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم شاه باید دید.

بنا بر آخرین آمار رسمی دولت از ۸ میلیون کودک هجدهمین دبستانی تنها قریب ۵/۵ میلیون نفر به دبستانها جلبشده اند. شماره دختران مدرسه هفتاد و دو هزار و ۲۵۰۰ نفر است. در حالی که در دبستانها روستا کمتر است. کمبود کادر آموزگار، متجاوز از ۱۵۵ هزار نفر میباشد. در حالی که در سال ۱۳۴۱ تعداد بیسوادان جمعیت شش سال به بالا ۱۲/۳ میلیون نفر بود. در سال ۱۳۵۱ این رقم به ۱۴/۲ میلیون نفر افزایش یافته است.

کمتراز ۲۰ درصد نوجوانان از آموزش حرفهای و دبیرستانی برخوردار میشوند. تحصیل دانشگاهی شامل ۶/۱۴ درصد جوانانی می شود که در این سن قرار دارند. برای سال ۱۳۵۵-۱۳۵۴ از ۱۹ هزار دواطلب امتحانات همگانی رو به برافزایش است. ۲۸ هزار نفر در دانشگاهها و موسسات عالی پذیرفته خواهند شد.

این ارقام، با آنکه قاعدتاً به نفع رژیم مبالغهآمیز و بعضی اوقات آشکارا متناقض میباشد. ناگامی سیاست فرهنگی رژیم کنونی را - هر چند بطور ناقص - بازمی ناید و عیار "انقلاب آموزشی" شمار نشان میدهد. دولت بخود میباید که "در فاصله هرسال اخیر اعتبارات خود چه برای آموزش ابتدائی جهان را برسد ما ست" از جانب ما این یاد آوری در این مورد کافی است که در همان مدت بودجه وزارت چندانکه ۳۰ برابر گذشته است!



سیستم آموزشی ایران سیستمی است طبقاتی، بر پایه اطلاعات "واحد آمار و اطلاعات موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی کشور" (۱۳۵۲) ۴۸۴ درصد دانشجویان را فرزندان بازرگانان، صاحبان صنایع، قشر کوچکی از کارمندان بخش خصوصی و پیشهوران تشکیل میدهند. هفت درصد دانشجویان از میان خانواده های پریمی خیزند که "با درآمد کشاورزی، امرای معاش میکنند" (مالکیسن کوچک و بزرگ). و در صد شغل پدران خود را کارگر "نوشته اند (بدون تعیین کار) و یک درصد "کشاورز". هفت درصد دیگر دانشجویان با این پرتش که "پدرشما به چه کاری مشغول است؟" پاسخ دقیق ندادند.

آموزش عالی در ایران پاسخگوی نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی کشور نیست. بنا بر آمار رسمی در سال تحصیلی ۱۳۵۲-۱۳۵۱ بیش از ۷۶ درصد دانشجویان در رشته های نظری و غیر فنی (۳۱ درصد در رشته های علوم انسانی، ۲۷ درصد علوم تربیتی، ۲۴ درصد هنرهای زیبا، ۱۴ درصد علوم طبیعی) تحصیل میکردند. تنها ۸ درصد آنها در رشته های مهندسی، ۴ درصد کشاورزی و ۱۲ درصد پزشکی آموزش دیده اند.

نایسامانی ها و نارسایی های آموزش عالی به پیشگفته بستند نمی شود و زمینه های پیشمار

دیگر، از جمله کمبود کسب در آموزشی، کتاب و وسایل فنی، بی هدفی و عدم متابقت برنامه های تحصیلی با تازه ترین دستاوردهای علمی و فنی، شهریه های سنگین، مساله کمبود و فقدان موازین در مکتبات، گداز دانشگاه در بر میگیرد.

روشن است در جامعه واپس ماندن ایران، دانشجویان علاوه بر منافع منفی خویش، مانند افراد بالغ ورشد یافته اجتماع، نسبت به سرنوشته هم میهنان خود نیز، که اکثریتشان از ابتدائی ترین حقوق و مزایای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محرومند، علاقه خاص نشان میدهند. آنها می بینند که امپریالیسم، نهان و پنهان، به نفع کشورشان می پردازد، میلیاردها ریال از طرف رژیم شاه در راه نظافتگری و تجاویز کمشورهای همسایه سرف می شود و بدیهی ترین آزادی های انسانی هموطنانش از جانب "ساواک" نقض میگردد.

وضع نایسامان اقتصادی ایران

—————

د برررسی وضع اقتصادی ایران در سال گذشته و حال دیدیم و بارز چشم میخورد، از یکسو، از سال ۱۳۵۳ درآمد کشور ما از نفت جهشوار از نزدیک به چهار میلیارد دلار به بیش از ۲۰ میلیارد دلار افزایش یافت. این پیکره نزدیک به دو برابر مجموع تولید ناویژه ملی و هفت برابر برابری تولید کشاورزی ایران در سال ۱۳۵۰ می باشد. از سوی دیگر، روند درآمدی هر چه پیشتر سرمایه های انحصاری خارجی و هم پیوندی با اقتصاد امپریالیستی تشدید میگردد. برغم تبلیغات شاه و جرجیان رژیم، رشد نسبتا سریع درآمد ملی را، نه در رشد همه جانبه اقتصاد، بل کدر میزان استخراج نفت و ترقی بی سابقه بهای آن باید دید.



رشد اقتصادی کشور بسیار نا هم هنگ است. صنایع سنگین رشد ناچیز و صنایع سبک، همچنان نقش قاطع در اقتصاد ایران دارد. کشاورزی و دامپروری در حقیقت سیر قهقهرایی را طی میکنند. ایران، که در گذشته صادرکننده فراورده های کشاورزی بود، امروز از واردکنندگان عمده محصولات کشاورزی بشمار می آید.

سیاست درآمدی سرمایه های داخلی با سرمایه های خارجی، که تا چند سال پیش

بصورت جلب سرمایه های خارجی و تشویق در هم آمیزی آنها با سرمایه های خصوصی و دولتی نمودار میشد، اکنون با افزایش جهش وارد درآمد نفت و جذب و سرمایه های ایران به کشورهای سرمایه داری پیشرفته، بعواضات افسوسناک سرمایه گذاری در ایران، خصلتی ویژه پیدا کرده است.

از این گذشته، منابع هنگفت کشور به تشدید دیوانهوار نظر میگری

و گسترش ارتش و دستگاه پلیسی اختصاص می یابد. مطابق ارتقا رسمی، هزینه های نظامی دولت ایران در سال ۱۳۵۴ برابر با ۲۵۰ میلیون ریال می باشد. این رقم در حدود ۱۶ درصد تولید ناویژه ایران را در بر می گیرد و پنجاه درصد بودجه کشور را تشکیل می دهد. بسخن دیگر در سال ۱۳۵۴ به هر فرد ایرانی بابت هزینه های نظامی ۲۳۵۰۰ ریال تخصیص شده است. در حالی که رقم مشابه برای اهالی کشورهای اروپایی، عضو ناتو، بر مبنای مخارج نظامی سال ۱۹۷۳، حدود بیست دلار می باشد. باید یاد آور شد که سطح زندگی در این کشورها سه تا چهار برابر بالاتر از ایران است. هزینه یک فرد مسلح ایرانی در حدود ۴۰۰ هزار ریال در سال برآورد شده است. ولسی دولت در برابر این هزینه هنگفت نظامی تنها ۸۵۰۰۰ ریال در سال خرید می کند. محصل می کند.

عواقب شوم سیاست اقتصادی نامبرده در زمینه های گوناگون زندگی مردم، به ویژه زحمتکشان، نمایان می شود:

گراتی روز افزون کالاها و خدمات مورد نیاز مردم، تورم سرسام آور (در حدود ۱۶۰ درصد) و کمبایی و ناپایی اقلام ضروری زندگی، در همین خال، باید یاد آور شد که حداقل دستمزد ها در سطح کشور به ۱۰۰ ریال در روز هم نرسد و دستمزد های روزانه ۲۰ تا ۶۰ ریالی برای بیشتر کارگران زن پدید می آید. بنا بر این، نباید تعجب کرد که بسیاری از کارگران مجبورند برای رفح اما محتاج زندگی روزانه پیش از ۱۲ ساعت کار کنند.

سیاست نظامیگری و تجاوزکارانه شاه

یکی از علل عدم نظامی گری اقتصاد ایران همبستگی وهم پیوندی رژیم شاه با مرتجع ترین محافل امپریالیستی است. این سیاست بویژه در کمک به تقویت مواضع امپریالیسم در خلیج فارس، تکیه و توسل به قدرت نظامی برای سرکوب جنبش های آزاد و بخش و انقلابی منطقه مجاور ایران سیادت جویی در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، مداخله در امور داخلی کشورهای همسایه و حتی کمک تسلیحاتی به برخی دولت ها و در دستهای ارتجاعی کشورهای دور دست نمایان می شود.

برغم ادا های میهن پرستانه، نمایان شاه، رژیم و نقش ژاندارم منطقه را بعد از گرفته است و مجری سیاست ضد صلح میلیتاریست های جهانی و اندامارات نفتی می باشد.

ادولت ایران عوامفریبانه مخالفت خود را با جنبش نوری و راهی در بیای "کشورهای بیگانه" در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، آبراز می داری در عمل از ایجاد پایگاه های هسته ای و موشکی آمریکا و انگلیس در جزایر پگوگاریا، بحرین و صیریه هواداری می کند.

شاهد رضا هر طریح اتمیت جمعیتی در آسیای شرقی موافق نشان می دهد ولی در همان حال با پیشنهاد طرح همکاری منطقه ای گسترده - یعنی یک گروه بندی نظامی تازه از ایران تا زمانه نو، مبتکر بند و بست های نظامی جدید میگردد. وی از یکسو خواستار است که امنیت خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، به کشورهای منطقه قرار گیرد و از جانب دیگر ما نوره های دیو امپریالیسم آمریکا را در اقیانوس هند ضروری می شمرد و ورود ناوگانهای آمریکایی را به دریای عمان و خلیج فارس

خوش آمد میگوید.

در سال های گذشته دولت ایران، بمشوریه ششپایه از محافل ارتجاعی پاکستان به انواع تحریکات در بلوچستان پاکستان و علیه جنبش ملی بلوچ در بلوچستان ایران و پاکستان دست زد. هاست. تحریکات بی دریغ در مرزهای عراق، هند اخله غیر مستقیم و مستقیم در مورد اخلی این کشور، کمک های نظامی به جناح راستگرد های عراق و کشرکشی به کشور همسایه یکی از مهاجر یا رزسیاست تحرش جوینان ایران در سال های اخیر بود که خوشبختانه به شکست انجامید و شاه را به حلی مسالمت آمیز اختلافات مجبور ساخت.

یکی از گستاخانترین نمونه های سیاست تجا و زکارانه دولت ایران در اخله نظامی در عمان است. سپاهیان شاه همیشه از سال است که در نظر کارشناسان انگلیسی و پاپی های مزدوران پاکستانی، هندی، اردنی و استرالیایی به کشتار جمعی مردم این سالها برداخته اند. غرض از این لشکرکشی پاسداری از سلطنت قرون وسطایی قابوس، سرکوب جنبش رهایی بخش ظفا و اعمال فشار به جمهوری دموکراتیک تود های یمن است.

ولی شاه، که همین پرستان ظفا را بارها "چند نفرو حششی و بیسواد" خواند هاست، بتقلید از اربابان آمریکایی خود در ویتنام، هزاران جوان بیگناه ایرانی را رهسپار کشتارگاه ظفا روانه کرده های بسیاری از آنها را ازاد کرده اند.

آخرین اخبار رسید از عمان حاکی است که همین پرستان "جبهه خلقی برای آزادی عمان" برفعالیت جنگی خود علیه سلطان قابوس و ارتش های مزدور و بطور محسوس افزوده اند و سه دشمن از لحاظ نفرت و مهمات تلفات زیاد ی وارد آورده اند.

دانشجویان ایرانی، مانند دیگر ضامیهین پرستود مکرکات کشورها، ایمان دارند که سیاست توسعه طلبانه دولت ایران محکوم به شکست است. آنها اعزام جوانان ایرانی را برای دفاع از منافع فارتگران امپریالیستی شدیدا محکوم میکنند و پیروزی آزادی خواهان ظفا را خواستارند.

بعوازا تتروریستی تکامل سیاست اقتصاد ی و خارجی رژیم ایران بسود ارتجاع اخلی و امپریالیسم خارجی، سیاست ضد دموکراتیک حکومت کودتا پاپا به گداری حزب فاشیستی وشه ساخته "رستاخیز ملت ایران" وارد مرحله نئی شد هاست.

شاه، پس از کودتای ۲۸ مرداد، برپایه تغییراتی که به نفع قدرت مطلقه خود در قانون اساسی ایران وارد آورده، در واقع کلیه قوای دولتی را در دست خود متمرکز ساخته است. مجلس شورای ملی و سنایهاده ارتشیت "منویات ملوکانه" مبدل شده است. سال هاست که در ایران استقلال قضائی وجود ندارد. رژیم ذادگاه ها و ادراسان را به آلت اجرای زورگویی های خود تبدیل کرده است. دادرسی مشهمین سیاسی، برخلاف نص صریح قانون اساسی، با حضور هیئت منصفه انجام نمیگیرد. اینگونه محاکمات به دادگاه های نظامی محول شده است و در محاکم در بسته جو رتی پذیرد. دادگاه های نظامی در بسته جسز بیقانونی و پیروی کورکورانه از اوامرها یا مهربی قانونی نمی شناسند. در ایران احزاب، سندیکا های کارگری و اتحادیه های صنفی

از جمله آنجمن های دانشجویی ممنوع است. از آزادی قلم، بیان و اجتماعات خبری نیست. مطبوعات تحت سانسور شدید پلیس قرار دارد. زندان ها از انبوه زندانیان آکنده است.

بيك سخن، رژیم شاه در هر لحظه و هر جا مفاد قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر را - که پیش از یک ربع قرن پیش به تصویب مجلس ایران رسید - صد ها بار نقض میکند. در واقع، آنچه در ایران میگذرد اوج بی اعتنائی رژیم به بدیهی ترین حقوق بشری است.

"ساواک"، همانند ابزار اصلی حکومت خود کاه شاه، یکی از دشمن ترین و وحشتناک ترین سازمان پلیسی است که در برخی از "شاهکارهای" خود دست فاشیست های هیتلری را زینت بسته است. سازمان امنیت در حقیقت شیشه سر رژیم شاه را در دست دارد. بنا بر این، بی دلیل نیست که این سازمان چینی زیر نظارت مستقیم شاه اداره میگردد. گفته میشود که سه سپهبد نهمی، رئیس ساواک، فعالیت های شوم در ستگاه مریض و طولی خود را تقریباً ساعت به ساعت به شخص شاه گزارش میدهند. فرح یکبار اعتراض کرد که او شامتا ساعت سه نیمه شب بیدار ماند تا تا مهران ساواک یکی از متهمان رویداد کاخ مرمر را بتزده شاه آوردند.



آیت الله سعیدی
در روز شکنجه های
رژیم شاه همیشه اذیت
رسید



پوران پدالهری
اد و مکتب شاه
اورا بقتل رساندند

ساواک میهن پرستان ایران را تحقیق میکند، به زندان میاندازد و شکنجه میدهند. شماره زندانیان سیاسی ایسران دقیقاً معلوم نیست. تعداد آنها در مطبوعات غربی تا ۴ هزار حدس زده شده است. در میان آنها کارگر، دهقان، دانشجو، روحانی، هنرمند، نویسندگان، سرباز، آفسر و خلاصه نمایندگان تقریباً همه قشرهای جامعه ایران یافت میگردند. بسیاری از زندانیان سیاسی یا آنکه سالهاست بدون دادرسی در سیاهچالهای شاه بستمیبرند و یا آنکه مدت ها است در آن حبس آنها بی پایان رسیده است و کماکان در بند هستند.

بگفته اند ستان کل ارتش ایران "آن دستها زندانیان نیکه جوان هستند و قدرتی دارند باید آنقدر در زندان بمانند تا پیر و طویل و فرسوده بشوند و سپس از زندان خارج گردند. دستگیری که نسبتاً سالخورده هستند آنقدر بمانند تا جنازه آنها ستان از زندان خارج شود".

علی شایری، صفر قهرمانی، عباس حجری، تقی کی منش، محمد علی موسوی، رضیاشلتوکی، پورخی دیگر از زندانیان سیاسی سالیان دراز است که از زندانی به زندانی دیگر منتقل میشوند.

صابر محمد زاده، آصف رزم دیده، زرقانی، جعفری، اکو رزی، شریفی، فریدون پاکزاد، مرتضائی فرودهای دیگر بدت هاست که دوران محکومیت شان سپری شده است و با اینحال هنوز در رشت میله های زندان بستمیبرند.



مهدی رضایی
مجاهد
شهید

در سال های پس از کودتا ده همسایری از زمین پرستان را



زیر شکنجه گشته اند. وارطان سالخانیان، محمود کوچک شوشتری، کلیا زاخاریان، پیرویز حکمت جو، هوشنگ تیزایی، ستوان مغزوی، حسین خربری تنها چند نمونه از قربانیان در خیابان ساواک هستند. جنایتکاری رژیم شاه با بی کشید ما ست که اکنون به ما بودی جسمی زندانیسان دست میزند. آخرین نمونه این آدم کشی ها کشتار گروه جزئی بود که با اصطلاح "در حال فرار" بخراب گلوله محافظین ازبای درآمدند.

علی خاوری، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران که در زندان شاه به رهبر برد

ساواک برای کسب اقرار و تابود کردن زندانیان

مقاوم سیاسی ازبکار بردن نفرت انگیزترین و بد منشانه ترین

روش های شکنجه با ندادن مواد رانینجا تنها برخی از این روش های "مدرن" را که تاکنون فاش شده ما ست برمی شمیریم. استفاده از نوعی اجاق برقی برای "کیاب کردن" بدن لخته مسموم، نمایش اعدام زندانی تا آستانه تیرباران، استفاده از جانوران وحش را تا شکنجه بستگان زندانی و بیویز که کودکان و در برابر چشمانش، شلاق سیمی، کشیدن ناخن ها، استعمال بطری شکسته، شوک برقی وغیره - بچید نیست که شکنجه گران ساواک و مشاوران آمریکایی و اسرائیلی آنها در این بیست و روش های "مدرن تری" کشف یا ابداع کرده باشند.



هوشنگ تیزایی در شکنجه گاه رژیم ازبای درآمد.

برغم انکارات ابلهانه شاه بهر دو روشی های مذبحانه ساواک، نقض ابتدائی ترین حقوق بشری در ایران دیگر را می است که شود. و افکار صوملی جهان، از جمله جامع گوناگون بین المللی مانند "انجمن بین المللی حقوق دانان مکررات" و "فدراسیون

بین المللی حقوق بشر"، سازمان بین المللی عفو و کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی ایران در کشورهای خارجی، به بارها به پیغام های نامیرد و اعتراض کرد مورطایت حقوق بشر را در ایران خواستار شده اند. در آخرین گزارش به البانیه "سازمان بین المللی عفو" میخوانیم: "در حالیکه



شاه ایران به نیکوکاری تظاهر میکند، ایران از لحاظ شمار اعدامها مقام نخست را در میان کشورهای جهان حائز شده. در این کشور از ادگاه های مدنی خبری نیست و اجرای شکنجه ها، استثنائی است باور نکردنی."

تظاهرات جزواتان بود انشجویان در مکررات ایران در دفاع از زندانیان سیاسی ایران که در شهریور ماه ۱۳۵۴ در شهر قزوین سرکزار شد. تظاهرات کنندگان عکس شهید پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را بعنوان سبیل مقاصت در پیشا پیشه سفک حمل میگردند.

و فتح کنونی ایران، جوانان و دانشجویان ایرانی را، چه در داخل و چه در خارج از کشور، در برابر وظایف سنگین و حساس گوناگونی قرار میدهد. اما بعقیده " سازمان جوانان و دانشجو در مکررات ایران "، مهم ترین وظیفه همه ما در این لحظات خطیر، کوشش در راه همبستگی و اتحاد جمیع نیروهای ملی و ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه است.



آزمون تاریخ نشان میدهد،

تا هنگامیکه پراکنده گی و تشتت نیروهای مخالف رژیم ادامه یابد، شاه خود کاملاً پدید آمدن و سوز خود ادامه خواهد داد، امپریالیست ها با آرزوی فزاینده، همچنان به چپاول ثروت ملی مشغول خواهند بود و فضای میهن ما مختلق تر نفس گیر تر خواهد شد.

رفقا بدرالدین مدنی، صفر قهرمانی، حمید قاسم نریمان، محمد علی پیدا، پرویز حکمت جو، عزیز یوسفی در زندان برازجان

صفر قهرمانی بیش از ۲۹ سال است که در زندان شاه پسر میرد، او مظهر فدآکاری و نمونه ای از زندانی قهرمانی است که بهترین سال های عمرش را در زنجیرهای زندان شاه گذراند.

صفر قهرمانی یکی از برجسته ترین

و مقاوم ترین مبارزان کومنیسم است.

گسترش امکانات مساعد جهانی و اعتلای جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در ایران ایجاب میکند که با تمام قوا و هم پیمان و همگام با زحمات کشان کشورمان، با هرگونه بیسیه آشفتگی انگیز دشمن و تلاش های فتنه جویانه انقلابی تا همه با رژیم

نخستین سلاح در یکا زیاد دشمن متحد،

یکبار متحد است.

از مبارزه متحد شهید ابروگ تیا، شریعت رضوی، قدحی سرمشق بگیریم:

متحد شویم و برای سرنگونی رژیم شاه مبارزه کنیم!

شانزدهم آذرماه ۱۳۵۴



دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه هر میهن پرست است

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich
Kreissparkasse Recklinghausen
Fil. Dorsten-Holsterhausen
Girokonto 1656974

Gustav Sobich
427 Dorsten
Friedenau 3
West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran
Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries